



هنر تئاتر

اهمیت و ارزش های تربیتی و آموزشی

ایرج زهری

شوروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

هدف و موضوع تئاتر را بزرگان این هنر در طول دوهزار و پانصدسال تاریخ بدون آن گوناگون گفته اند.

ارسطو، در سه قرن پیش از میلاد مسیح در کتاب بوطیقا (فن شعر) هدف تئاتر را تزکیه نفس آورده است. او معتقد است از طریق تئاتر (با تکیه ویژه روی تراژدی) انسان به خلوص و صفای باطن میرسد.

در کتاب ناتیا شاسترا (کتاب قواعد تئاتر و رقص) هند که تاریخ تدوین آنرا میان دویمت سال پیش از میلاد و دویمت سال پس از میلاد نوشته اند،

تئاتر به عنوان هنری خدائی آمده است . برهما خداوند آفریدگار به «بهاراتا» دانشمند زمینی سفارش خلق هنری را می دهد که خوش آمد چشم و گوش باشد و از آنجا که خدایان برهمنائی (و امروز هندوئی جدید) در ارتباط نزدیک با آفرینندگان خویش اند، پس هنر تئاتر، هنرپیوند آفریدگار و آفریده است. در قرون وسطی تئاتر هدفی جز از تذکار و بزرگداشت بزرگان و شهدای دین نداشت . این تئاتر مذهبی (که نمونه تمیزی آن هنوز در ایران دیده می شود) امروز هم در کشورهای اروپائی از آن جمله در اسپانیا با شکوه خاص برگزار می شود .

«لوپده وگا» نمایشنامه نویس بزرگ اسپانیا در قرن شانزده تئاتر را آئینه و بازتاب زشتی ها و عیب های مردم میدانست . شکسپیر بی مانند ، تئاتر را تخته پاره هائی نوشته است که دنیا معنی میدهد و هنرمند تئاتر را خلاق جهان می شمارد .

« کالدورون ره لبارکا » نویسنده بزرگ تئاتر اسپانیای قرن هفدهم، جهان را تئاتر بزرگ خداوندی و تئاتر را مرکز آفرینش خداوندی میدانند. شیلر شاعر و نمایشنامه نویس آلمانی قرن هجدهم، تئاتر را مکتب اخلاق خوانده است .

از نویسندگان قرن اخیر فدریکو گارسیا لورکا تئاتر هر کشور را نبض زندگی آن کشور میدانند .

برتولت برشت ، تئاتر را مکان آموزش و تفریح گفته است . و انتونن ارتو فرانسوی با الهام از تئاتر شرق (بسویژه تئاتر مذهبی آسیای جنوب شرقی) و با توجه به یونان باستان ، تئاتر را مکان مقدس نوشته است .

به تعریف بزرگان از تئاتر که توجه میکنیم، میبینیم همه جا و همه وقت هدف تئاتر ارتقاء مقام و اعتبار انهان بوده است و ارتقاء جز از راه آموزش و پرورش حاصل نمیگردد. حال جامع علوم انسانی هیچ گاه و در هیچ دوره ای از تاریخ، غایت و هدف تئاتر سرگرمی و تفریح و اغناء ضرورت های فوری و فوتی تماشاگران نبوده است . اگر برنامه ای نمایشی جز از سرگرمی و تفریح مردم نمی خواسته ، هرگز « تئاتر » خوانده نمی شده است .

اینک که تئاتر در کشور ما، کم و بیش مورد توجه قرار گرفته جای آن است که درباره ارزشها و اهمیت این هنر از لحاظ پرورش و آموزش نسل جوان سخن گفته شود .

اینجا روی سخن من بیشتر با بزرگترها و بزرگان است بویژه با آن دسته از بزرگترها که هنوز تئاتر را تفریح و شوخی میدانند و جدی نمیگیرند و فرزندان خود را به عذر عقب ماندن از درس و زندگی از نزدیکی با هنر تئاتر بر حذر میدارند .

ارزش‌های تربیتی تئاتر



الف - کارگروهی

یکی از گرفتاری‌های بزرگ روحی ما ایرانی‌ها اینست که با هم همکاری نداریم .

آگاه‌ترین و باهوش‌ترین ما شخصیت‌هایی هستند که به تنهایی چرخ دستگاهی را میگردانند چون نباشند کار فلج می‌شود و می‌خواهد . در ورزش همینطور است، در مسائل علمی همینطور است، در زندگی خصوصی‌مان نیز چنین است.

برای ساختن ایران فردا باید «نسل همکار و همفکر» بوجود بیاوریم . تئاتر بهترین راه آموزش شیوه همکاری و همفکری در کودکان ، دبستان و دبیرستان است .

از همان انتخاب نمایشنامه یا نوشتن نمایشنامه ، همکاری و همفکری شروع می‌شود . هیچ دانش‌آموزی تنها برای خودش کار نمی‌کند . همه برای خودشان و برای همه کار می‌کنند . بازی‌بد یکی بازی نقش و نقش‌های مقابلش را خراب می‌کند .

بی‌توجهی گروهی که در تهیه «دکور» نمایش شرکت دارند به بازی‌ها لطمه می‌زند . متصدیان نور و ضبط صوت ارزش و اهمیت نمایش را بالا می‌برند یا پائین می‌آورند . لباس ، گریم ، حتی کوچک‌ترین کار : کشیدن پرده در نمایش مهم است . کار تئاتر در مدرسه مهمترین و آموزنده‌ترین کارگروهی است . مهم‌ترین مزیت‌های کار تئاتر این‌هاست :

۱ - شاگرد مدرسه به‌مدرسه علاقه مندی‌شود . اهمیت این نکته مخصوصاً از آنجا معلوم می‌شود که بسیاری از شاگردان مدرسه را محیط خشکی میدانند که معلمان و سرپرستان با زور نمره می‌خواهند مطالبی را که در آینده به‌درد زندگی نمی‌خورد به‌مغز نوجوانان فرو کنند .

با ترتیب برنامه‌های گروهی در مدرسه ، شاگردان ، مدرسه را خانه دوم خود خواهند شمرد با رغبت به‌آن پا خواهند گذاشت و مستمعان خوبی برای معلمان صاحب سخن خواهند شد .

۲ - کسی که در مدرسه تئاتر بازی می‌کند الزاماً هنرپیشه یا نویسنده یا کارگردان نخواهد شد . البته شاگردی که در این هنر استعداد فوق‌العاده نشان بدهد ، باید با راهنمایی معلمان به مدارس این هنر معرفی گردد .

نتیجه خیلی مهمتر از شرکت در فعالیت نمایشی، نه تربیت بازیگر بلکه تربیت تماشاگر آگاه و با ذوق برای تئاتر است.

۳- فعالیت تئاتری در مدارس موجب دوستی و ایجاد علاقه میان شاگردان يك کلاس یا يك مدرسه خواهد شد. شاگردی که در فلان رشته تحصیلی ضعیف است یا شاگرد دیگری که در آن رشته قوی است آشنا میشود همشاگرد به یاری شاگرد و معلم میآید.



ب- تئاتر هنری است کامل

با همه دانشها و فرهنگها بستگی دارد. کسی که نمایشنامه گالیله برتولت برشت را بازی میکند، باید در فیزیک آگاهی کسب کند، آگاهی که برای درک نمایشنامه و رساندن مفهوم آن به تماشاگر لازم و ضروری است. کسی که نمایشنامه‌ای از دوران رنسانس ایتالیا، از مولیر، از شکسپیر، از نویسندگان معاصر مشهور جهان را دست میگیرد باید در فرهنگ آن دوره و زمانه مطالعه کند.

پرداختن به تئاتر، یعنی نگاه دقیق و عمیق به زندگی از گذشته و حال و آینده در کشور خود و در جهان بویژه امروز که فرهنگها به دلیل اعتبار و گسترش فوق العاده و مسائل ارتباط جمعی به هم نزدیک شده اند و نزدیک تر میشوند. تئاتر همه هنرهای دیگر را به اختیار میگیرد. از موسیقی ریتم (موسیقی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



زمینه، موسیقی متن) از نقاشی رنگ (لباس، دکور، گریم، نور)، از رقص حرکات موزون، از ادبیات (متن نمایشنامه، قطعه منظوم و منشور)، از معماری (دکور) حتی از فیلم (عکس، اسلاید، فیلم). در عین حال تئاتر میتواند تنها به خود اتکاء کند یعنی به هنر بازیگری. کسی که کار تئاتر میکند و تئاتر را جدی گرفته است، باید هنرهای دیگر را درک و حس کند. به هر حال شرکت کننده در فعالیت تئاتری ذهنی بیدار و حساس برای همه هنرها پیدا خواهد کرد.



ج- تقویت نیروی تمرکز

همه میدانیم که یکی از پایه‌های اصلی یادگیری تمرکز است. از آن همه مطالبی که در مدرسه یاد گرفته‌ایم تنها آن مطالب را به یاد می‌داریم که با دل و جان آموخته‌ایم.

با دل و جان آموختن یعنی با تمرکز کامل آموختن وقتی چند کتاب فیزیک و شیمی و طبیعی و تاریخ و غیره را پهلوی هم ردیف کرده‌ایم و بر اساس سیستم «رچ زدن» چند دقیقه یکی را ورق می‌زنیم بعد دیگری و بعد از آن سومی را و در همان حال غذا می‌خوریم و حرف می‌زنیم و گوش می‌کنیم، البته فقط برای امتحان یاد گرفته‌ایم و پس از آن یاد گرفته‌ها را با اصل آنها یعنی کتاب بدور می‌اندازیم. شیوه یاد گرفتن کتاب در حال قدم زدن در خیابان هم نظیر آن است. تمرکز کامل نیست،



یادگیری کامل نیست .

کار تئاتر در مدرسه چگونگی تمرکز را یاد خواهد داد. تمرکز یعنی توجه ودقت همه جانبه روی يك چیز، به این ترتیب نوجوان نه تنها راه گوش دادن بلکه راه شنیدن را خواهد آموخت، تنها نگاه نخواهد کرد، بلکه خواهد دید تمرکز اساس کشف است خودتان را روی يك آدم مثلا پدر متمرکز کنید، علت یا علل رفتارش را کشف خواهید کرد مثلا میفهمید علت این که در خانه زور می گوید اینست که در اداره زور می شنود. چرخ تمرکز را سوی خودتان برگردانید : متوجه می شوید که خودتان را درست نشناخته اید . تمرکز آغاز تخیل است.



د - تئاتر نیروی تخیل را به حرکت می اندازد

تخیل پایه آفرینش است . خود آفرینش است . سخن از مفید بودن مطلق نباید کرد چرا که «مفید بودن» شخصی و نسبی است . بچه ها آفریننده اند. آفریننده گان بالقوه . باید کمکشان کرد تا آفریننده بالفعل شوند. نابغه کسی است که قدرت خلاقه دارد. قاعده در دنیای دانش همان است که در دنیا هنر است . هنرمند و عالم هر دو از قدرت تخیل سرشار و عظیم سود می جویند . هر دو فرآیند واقعیت ها را می بینند و کشف می کنند و می آفرینند . عالم نتیجه کار و آزمایش خود را از آغاز می داند که آغاز به آزمایش می کند و دست هنرمند را «الهام» می گیرد و راه می برد . الهام همیشه زمان آینده و زمان حال است . هنرمندان و عالمان پیامبران زمانند . قدرت تخیل کودک بسیار است . چه می شود که وقتی به سن بزرگترها می رسد چشمه های جوشان تخیلش خشک شده است؟ پدر «عقل معاش» بسوزد که همه گناه ها به گردن اوست . تئاتر به نوجوانان در جوشان داشتن چشمه های تخیل کمک می کند . خلق يك نمایش روی صحنه جز از راه قدرت تخیل چگونه میسر است؟



ه - نقش كوچك، نقش بزرگ

در هر نمایشی، همچون در هر اجتماع و هر زندگی نقش های به ظاهر کوچک

وبزرگ وجود دارد. استانیلوسکی هنرمند بزرگ تئاتر قرن اخیر میگفت نقش کوچک و وبزرگ وجود ندارد، هنرپیشه کوچک و بزرگ وجود دارد. حرف قشنگی است و همه جا هم صحت دارد.

نوشتن نقش‌های به ظاهر کوچک یا بزرگ زیرا که بازی بر نقش بستگی یا ارتباطی دارد که هنرپیشه میان خود و آن نقش بوجود می‌آورد. عینا مثل دوستی با آدمها میماند.

هرچه درباره کسی که شیفته یکی از کارهایش شده‌ایم و میخواهیم با او دوست بشویم، بیشتر مطالعه کنیم و در شناخت او بیشتر کوشش کنیم، هم بستگی مان به او زیادتر خواهد شد و هم دوستی مان با دوام تر خواهد بود. کسی که نقشی را قبول میکند و چند ساعتی بیشتر برای دوستی با آن نقش وقت ندارد، البته نخواهد توانست، حتی اگر روانشناس و مردم‌شناس حسابی هم باشد آن نقش را در بیاورد.

این ماهستیم که از «کاری» که داریم چیز مهمی میسازیم یا آنرا به حد «صفر» بی اعتبار میکنیم. در زندگی روزمره جز این نیست راه ترقی کردن در شرایط طبیعی یعنی، عاشق کار خود بودن و دل و جان به کار دادن.

بازی در تئاتر به نوجوان می‌آموزد که مهم نیست چه نقش بزرگ یا کوچکی را در اجتماع به عهده خواهد گرفت. مهم اینست که نقش خود را خوب بازی کند.



و- تئاتر اعتماد و اتکاء به نفس

هدف آموزش و پرورش ایجاد حس اعتماد و اتکاء به نفس است. «میدانی، پس هستی و میتوانی.» هدف مدرسه باید تربیت و پرورش شخصیت برای نوجوان باشد از طریق کوشش نمایشی، نوجوان احساس مسئولیت و تعهد میکند. از یک موجود غیر عامل گیرنده (شاگردی که مطالب را از معلم میگیرد ولی به معلم چیزی نمیدهد.) بیرون می‌آید، آموخته‌ها را با ذوق و سلیقه و برداشت منطقی خود در گون میکند و چیزی که مال خودش است خلق میکند.

نقش در تئاتر، یا کار دیگری که در خارج از مدرسه یاد گرفته است. حال به او این امکان داده شده است که خودش را نشان بدهد. به این ترتیب نمایش وسیله‌ای خواهد شد تا نوجوان خودش را باز کند، راحت کند، عقده‌ها و ناراحتی‌هایش را دور بيفکند. نوجوانانی که تئاتر بازی میکنند اگر خجول و کمرو و گوشه‌گیر و بی حرف‌اند، طبیعی و شاد خواهند شد. طبیعی بودن و شاد بودن، از مهمترین حربه‌هاست که برای ساختمان ایران فردا نیازمند آنیم.



ز - تئاتر. زبان. بیان

در هیچیک از هنرها «زبان» اهمیتی را که در تئاتر داراست ندارد (منظور من زبان گفتار است و نه زبان نوشتار که البته پایگاهش ادبیات است).

از طریق تئاتر ما از یک سو به گسترش فرهنگ و آوازه شخصی نوجوان کمک خواهیم کرد و از سوی دیگر بیان او را تصحیح میکنیم. یکی از بزرگترین علل سوء تفاهمها و عدم ارتباط میان مردم «واژه تنگی» است.

در ایران بانهایت تأسف باید اذعان کرد که کتابخوانده نمیشود و آوازه رادر کجا میشود آموخت؟ دو منبع مهم، ۱ - سفر، ۲ - کتاب.

سفر را به معنای وسیع آن بگیریم یعنی سفر در شهر خودمان، جنوب شهر و شمال شهر، هم لغت‌های ویژه دارند، هم اصطلاحات ویژه و هم بیان ویژه.

بعد قصاب‌ها و آژده‌های خودشان را دارند، آهنگرها و آژده‌های خود، قضات و وکلای دادگستری و آژده‌های دیگر. از شهر خودمان که گذشتیم میرسیم به شهرستانها که سرزمین لهجه‌ها و گویش‌های درخور کشف است.

«مارتین لوتر» بانی مذهب پروتستان، برای ترجمه کتاب انجیل به زبان آلمانی و برای این که با چنان نثری بنویسد که در عین شیوایی، خاص و عام آنرا دریابند، سال‌ها کارش تحقیق و زندگی با پیشه‌وران و طبقات دیگر مردم بود.

کتاب انجیل او نه تنها مذهب پروتستان را میان مردم رواج داد بلکه پایه زبان کلاسیک جدید آلمانی شد.

فردوسی بزرگ ماسی سال رنج برد و همراه با زنده کردن اسطوره‌های باستانی ایرانی زبان فارسی را پایه ریخت.

به تئاتر برگردیم. بازیگر تئاتر از طریق نمایش با دنیای زبان آشنا میشود. با گالیله، به زبان علم سخن میگوید، با «تورکاتوتاسو» شعر میسراید، با بازی نقش‌های نمایشنامه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم خان، میرزا رضا تبریزی، به زبان دوره قاجار آشنا میشود. فرهنگ تازه، واژه‌های تازه، وسیله‌های ارتباط تازه.

بیان، مسأله دیگر تئاتر است. خوب و درست حرف زدن، آرزوی همه است. نه تنها سیاستمداران و معلمان و هنرپیشگان، بلکه همه کس به خوب و درست حرف زدن نیاز دارد.

کافی است گرفتاریها و سوء تفاهم‌های بسیار را که در اثر تلفظ غلط واژه‌ها، من و من کردن‌ها و اشکالات دیگر بیانی بوجود می‌آید در نظر بگیریم آنها که بیانشان بد است گاه حرف خودشان را هم درست نمی‌فهمند، چه برسد که دیگری حرفشان را بفهمد.

در این جا باید یک مطلب مهم را بگویم. در همه جای دنیا زبان تئاتر زبان پایتخت است. دلیلش هم اینست که مطلبی و هدفی باید بگوش همه مردم

کشور برسد. جوان شهرستانی که بخواهد تئاتر بازی کند باید. اگر لهجه دارد. در اصلاح لهجه اش برای تئاتر بکوشد در غیر این صورت باید روی افه های کمیک احتمالی - چنانچه در پایتخت یاد حضور تماشاگران تمام کشور نمایش بدهد حساب کند و البته نمایش او با تماشاگر محدود هم شهری وی ارتباط برقرار خواهد کرد.



ح تئاتر ایست. حرکت

باید راست رفتن را آموخت. تعادل کامل میان اندامهای بدن به هنگام ایست (ایستادن، نشستن، دراز کشیدن) و حرکت. اینها چیزهایی است که در تئاتر و در وقت تمرین متوجه آن میشویم. نوجوان روی صحنه خودش را پیدا میکند، عیب هایش را کشف و برطرف میکند.

ارزش های آموزش تئاتر

تئاتر بهترین و مؤثرترین وسیله آموزش سمعی و بصری است. چون زنده است. صرف نظر از مواردی که به آن اشاره کردم و همه به گونه ای ارزش های آموزشی تئاتر را نیز دربر میگیرد، از خود هنر تئاتر میتوان برای آموزش دروسهای دبستان و در مواردی در دوره اول راهنمایی استفاده کرد: تئاتر برای آموختن حساب، تاریخ، جغرافی، فارسی و دیگر دروسها.

باید دانش آموزان را به کار تئاتر تشویق کرد. باید خود آنها با راهنمایی و یاری معلمان، مسائل خودشان را و دنیا را آنطور که میبینند و حس میکنند، روی صحنه بیاورند. ما چگونه میتوانیم نسل آینده را تربیت کنیم وقتی هنوز آنرا نشناخته ایم و هنوز فرصت اظهار وجود به آن نداده ایم. در اینجا باید برای آنها امکان «نمایش در کیات» آنها را در محیطی هرچه خانوادگی و صمیمی فراهم کنیم.

بگذاریم نوجوانان در کوششهای تئاتری مدرسه شرکت کنند. آنگاه خواهیم دید که چگونه تئاتر وظیفه مهم خودش را در تربیت و آموزش نسل جوان و بهترین وجه خویش انجام خواهد داد.